# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426589276)

[ماه رمضان و نزول قرآن 2](#_Toc426589277)

[شناخت قرآن کتاب آسمانی 3](#_Toc426589278)

[برخی از اوصاف قرآن کریم 3](#_Toc426589279)

[خطبه دوم 5](#_Toc426589280)

[فرازهایی از خطبه 132 نهج‌البلاغه 6](#_Toc426589281)

[حضرت خدیجه کبری (س) 7](#_Toc426589282)

[سالگرد سید عبدالعزیز حکیم 7](#_Toc426589283)

[هفته دولت 8](#_Toc426589284)

[بانکداری اسلامی در ایران 8](#_Toc426589285)

[احیای سنت قرض‌الحسنه و مبارزه با ربا 9](#_Toc426589286)

[دعا 10](#_Toc426589287)

# خطبه اول

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به ونتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئاتنا اعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و حبیبنا اباالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مجانبة نهیه.**

# ماه رمضان و نزول قرآن

رمضان نام یکی از ماه‌های قمری و تنها ماه قمری است که نامش در قرآن آمده است. در این ماه کتاب‌های آسمانی قرآن کریم، انجیل، تورات، صحف و زبور نازل شده است.

این ماه در روایات اسلامی ماه خدا و میهمانی امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) خوانده شده و خداوند متعال از بندگان خود در این ماه در نهایت کرامت و مهربانی پذیرایی می‌کند؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: ماه رجب ماه خدا و ماه شعبان ماه من و ماه رمضان، ماه امت من است، هر کس همه این ماه را روزه بگیرد بر خدا واجب است که همه گناهانش را ببخشد، بقیه عمرش را تضمین کند و او را از تشنگی و عطش دردناک روز قیامت امان دهد.

این ماه، در میان مسلمانان از احترام، اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار و ماه سلوک روحی آنان است و مؤمنان با مقدمه سازی و فراهم کردن زمینه‌های معنوی در ماه‌های رجب و شعبان هر سال خود را برای ورود به این ماه شریف و پربرکت آماده می‌کنند، و با حلول این ماه با شور و اشتیاق و دادن اطعام و افطاری به نیازمندان، شب زنده داری و عبادت، تلاوت قرآن، دعا، استغفار، دادن صدقه، روزه داری و... روح و جان خود را از سرچشمه فیض الهی سیراب می‌کنند.

# شناخت قرآن کتاب آسمانی

برای معرفی قرآن باید به خود قرآن مراجعه نمود. وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که این کتاب عظیم برای خود اوصافی ذکر می‌کند که این اوصاف حاکی از بخش‌هایی از حقیقت او است.

# برخی از اوصاف قرآن کریم

برخی از این اوصاف به قرار زیر است:

1. «**ذَلِک الْکتَابُ لَا رَیبَ فِیهِ هُدًی لِلْمُتَّقِینَ**»[[2]](#footnote-2) این کتاب بدون هیچ ابهامی روشنگر راه تقوا پیشگان است.

در این آیه شریفه، قرآن خود را کتابی معرفی می‌کند که هیچ نقطه ابهامی در آن یافت نمی‌شود. اگر به شواهد و اسناد تاریخی رجوع کنیم در خواهیم یافت که جز قرآن، که این گونه سخن می‌گوید، کتابی دیگر را نمی‌توان یافت که چنین ادعایی شگفت داشته باشد. بنابر این اولین صفت قرآن این است که نقطه ابهام و تاریکی که قابل برطرف شدن و دست نیافتنی باشد، در آن یافت نمی‌شود.

2. پس از آن می‌فرماید: «**هُدًی لِلْمُتَّقِینَ**» راهنمای پرهیزکاران است.

3. «**هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّکمْ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یؤْمِنُونَ**»[[3]](#footnote-3) این آیات قرآن است، مایه بصیرت‌ها از جانب پرودگار شما و هدایت و رحمت برای گروهی که ایمان آورند.

4. در آیه دیگر می‌فرماید: **«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ یوقِنُونَ**»[[4]](#footnote-4) این قرآن برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پرودگار است.

5. «**قَدْ جَاءَکمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَکتَابٌ مُبِینٌ یهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَیخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَیهْدِیهِمْ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ**»[[5]](#footnote-5) پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد و از بسیاری از آن، (که فعلًا افشای آن مصلحت نیست) صرف نظر می‌نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.

در این آیات نکاتی نهفته است که معرف قرآن است:

الف. این کتاب، کتاب هدایت، رحمت، بصیرت و نور است.

ب. هر کس به این کتاب که ابهامی در آن نیست، رجوع کند، هدایت می‌شود.

ج. متقین، اهل ایمان و صاحبان یقین، نزد این کتاب جایگاه والایی دارند.

رسول خدا (ص) رسماً بر قرآن «تحدی» کرد؛ یعنی مدعی شد که قرآن کار من نیست، کار خدا است و از من و هیچ بشر دیگر ساخته نیست که مانند آن را بیاورد و اگر باور ندارید آزمایش کنید و از هر کسی می‌خواهید کمک بگیرید، ولی بدانید که اگر جن و انس پشت به پشت هم دهند که مانند آن را بیاورند، قادر نخواهند بود:

«**قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً**»[[6]](#footnote-6) این آیه با صراحت تمام، همه جهانیان را اعم از کوچک و بزرگ، عرب و غیر عرب، انسان‌ها و حتی موجودات عاقل غیر انسانی، دانشمندان، فلاسفه، ادبا، مورخان، نوابغ و ... را بدون استثنا دعوت به مقابله با قرآن کرده است و می‌گوید اگر فکر می‌کنید قرآن سخن خدا نیست و ساخته مغز بشر است، شما هم انسان هستید، همانند آن را بیاورید. این دعوت به مقابله که در اصطلاح علمای عقاید، تحدی نامیده می‌شود، یکی از ارکان هر معجزه است، و هر جا چنین تعبیری به میان آمد به روشنی می‌فهمیم که آن موضوع، از معجزات است.قرآن مطالب و معانی گسترده‌ای آورد و به طوری طرح کرد که بعدها منبع الهام شد، هم برای فلاسفه و هم برای علمای حقوق و فقه و اخلاق و تاریخ و... قرآن در پیوند انسان با خدا زیباترین بیان‌ها را آورده است. قرآن، تورات و انجیل را تصدیق کرده، ولی گفت در این کتاب‌ها تحریف صورت گرفته و دست خیانتکار بشر در آن وارد شده است. قرآن اغلاط این دو کتاب را در الهیات، در قصص پیامبران و در پاره‌ای مقررات تصحیح کرد. قرآن، خدا را از چیزهایی نظیر کشتی گرفتن، و پیامبران را از نسبت‌های ناروایی که در کتب پیشین آمده بود تنزیه کرد و این خود دلیل دیگری بر حقانیت این کتاب است.مسلمانان از صدر اسلام تا عصر حاضر اهتمام بی‌نظیری در امر قرآن نشان داده‌اند که نشانه شیفتگی آن‌ها نسبت به قرآن است. قرآن در زمان رسول اکرم به وسیله گروهی که خود آن حضرت معین کرده بودند که به نام «کاتبان وحی» معروف شدند - نوشته می‌شد. به علاوه غالب مسلمانان اعم از مرد و زن، کوچک و بزرگ، عشق عجیبی به حفظ همه و یا اکثر آیات قرآن داشتند، قرآن را در نمازها می‌خواندند و در غیر نمازها تلاوت آن را ثواب می‌دانستند، و از تلاوت آن لذت می‌بردند و مایه آرامش روح آن‌ها بود. عشق و علاقه مسلمین به قرآن منشاء و مبداء یک سلسله علوم ادبی و عقلی شد که اگر قرآن نمی‌بود این علوم به وجود نمی‌آمد. قرآن در سبک هم بی نظیر است، سبک قرآن شعر و نثر نیست برای این که وزن و قافیه ندارد. سبک و اسلوب قرآن نه سابقه دارد و نه لاحقه، یعنی نه قبلاً کسی با این سبک سخن گفته است و نه بعداً کسی با همه دعوت‌ها و مبارزه طلبی‌های قرآن توانسته است با آن رقابت کند و یا از آن تقلید نماید.

خلاصه این که مسلمانان در هر عصری متناسب با امکانات فکری و عملی خود تحت تأثیر شوق و عشقی که به کتاب آسمانی خود داشتند درباره قرآن کار کرده‌اند، از قبیل یاد گرفتن و به خاطر سپردن، قرائت نزد استادان قرائت و تجوید، تفسیر معانی، توضیح و شرح لغات قرآن در کتب لغت مخصوص این کار، بر شمردن آیات و کلمات و حتی حروفی که در مجموع قرآن به کار رفته است، تدقیق در معانی آن و استفاده از آن در مسائل حقوقی، اخلاقی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی، علمی و ...

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[7]](#footnote-7)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به ونتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئاتنا اعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و حبیبنا اباالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّ علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّ علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و خلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرّحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[8]](#footnote-8) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه.**

# فرازهایی از خطبه 132 نهج‌البلاغه

**منها فَإِنَّهُ وَ اللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعِبُ وَ الْحَقُّ لَا الْکذِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ قَدْ أَسْمَعَ دَاعِیهِ وَ أَعْجَلَ حَادِیهِ فَلَا یغُرَّنَّک سَوَادُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِک فَقَدْ رَأَیتَ مَنْ کانَ قَبْلَک مِمَّنْ جَمَعَ الْمَالَ وَ حَذِرَ الْإِقْلَالَ وَ أَمِنَ الْعَوَاقِبَ طُولَ أَمَلٍ وَ اسْتِبْعَادَ أَجَلٍ کیفَ نَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ فَأَزْعَجَهُ عَنْ وَطَنِهِ وَ أَخَذَهُ مِنْ مَأْمَنِهِ مَحْمُولًا عَلَی أَعْوَادِ الْمَنَایا یتَعَاطَی بِهِ الرِّجَالُ الرِّجَالَ حَمْلًا عَلَی الْمَنَاکبِ وَ إِمْسَاکاً بالْأَنَامِلِ أَ مَا رَأَیتُمُ الَّذِینَ یأْمُلُونَ بَعِیداً وَ یبْنُونَ مَشِیداً وَ یجْمَعُونَ (کثِیراً) کیفَ أَصْبَحَتْ بُیوتُهُمْ قُبُوراً وَ مَا جَمَعُوا بُوراً وَ صَارَتْ أَمْوَالُهُمْ لِلْوَارِثِینَ وَ أَزْوَاجُهُمْ لِقَوْمٍ آخَرِینَ لَا فِی حَسَنَةٍ یزِیدُونَ وَ لَا مِنْ سَیئَةٍ یسْتَعْتِبُونَ فَمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَی قَلْبَهُ بَرَّزَ مَهَلُهُ وَ فَازَ عَمَلُهُ فَاهْتَبِلُوا هَبَلَهَا وَ اعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عمل‌ها فَإِنَّ الدُّنْیا لَمْ تُخْلَقْ لَکمْ دَارَ مُقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَکمْ مَجَازاً لِتَزَوَّدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَی دَارِ الْقَرَارِ فَکونُوا مِنْهَا عَلَی أَوْفَازٍ وَ قَرِّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّیالِ.**

به خدا که، سخن درست است و از روی بازی نیست، حقیقت است و دروغپردازی نیست. مرگ است که منادی آن دعوتش را شنواند، و سرود خوان آن همه را شتابان خواند پس انبوه مردمان فریفته‌ات نگرداند - که هیچ کس سرانجام زنده نماند -. آن را که پیش از تو بود دیدی، که مال فراهم آورد و از فقر ترسید، و به آرزوی دراز، از عاقبت نیندیشید. مرگ را دور پنداشت و ناگهان بر سر او رسید. او را بی‌آرام از وطنش براند و از جایی که در آن ایمن بود برخیزاند. بر چوبهای تابوت برداشته، مردان آن را با سر انگشتان گرفته به نوبت از دوش این به دوش آن گذاشته. آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دور و دراز در سر داشتند، و کاخ‌های استوار می‌افراشتند، و مالهای فراوان می‌انباشتند، چگونه خانه‌هاشان گورستان گردید، و گردآورده‌شان تباه و پریشان، و مالهاشان از آن وارثان، و زنانشان در خانه این و آن نه بر کرده نیک می‌افزایند، و نه عذری توانند خواست از کار زشت و ناخوشایند. پس کسی که ترس از پروردگار را شعار خود سازد، در کار خیر از اقران خود پیش تازد، کردارش پیروز و پسندیده است و پاداش تمام بدو رسیده است. پس تقوی را غنیمت شمارید، و به کاری که در خور بهشت است روی آرید، که دنیا را نیافریده‌اند تا جاودان در آن به سر برید، بلکه آفریده‌اندش تا زود از آن بگذرید، و از کردار نیک برای خانه همیشگی توشه فراهم آورید. پس در این جهان شتابان به کار پردازید، و کرداری نیک را چون مرکبان راهوار برای رفتن آماده سازید.

# حضرت خدیجه کبری (س)

خَدیجَه دختر خُوَیلِد مشهور به خدیجه کبری (س)، [ام المؤمنین](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D9%85_%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%A4%D9%85%D9%86%DB%8C%D9%86)، نخستین همسر [پیامبر اسلام](http://fa.wikishia.net/view/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85) (ص) و مادر [حضرت زهرا (س)](http://fa.wikishia.net/view/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B2%D9%87%D8%B1%D8%A7%28%D8%B3%29) است. خدیجه (س) قبل از [بعثت](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A8%D8%B9%D8%AB%D8%AA) با پیامبر اسلام (ص) [ازدواج](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC) کرد و اولین زن و به عقیده برخی اولین کسی است که به پیامبر (ص) [ایمان](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) آورد. به علاوه، وی همه ثروت خویش را در راه نشر دعوت پیامبر (ص) بکار گرفت. پیامبر (ص) در طول حیات او همسری دیگر برنگزید و پس از درگذشت وی همواره از او به نیکی بسیار یاد می‌کرد.

پیامبر از خدیجه ۲ پسر به نام‌های [قاسم](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%85_%D9%BE%D8%B3%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%28%D8%B5%29&action=edit&redlink=1) و [عبدالله](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D9%BE%D8%B3%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%28%D8%B5%29&action=edit&redlink=1) و ۴ دختر به نام‌های [زینب](http://fa.wikishia.net/view/%D8%B2%DB%8C%D9%86%D8%A8_%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%28%D8%B5%29)، [رقیه](http://fa.wikishia.net/view/%D8%B1%D9%82%DB%8C%D9%87_%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%28%D8%B5%29)، [ام کلثوم](http://fa.wikishia.net/view/%D8%A7%D9%85_%DA%A9%D9%84%D8%AB%D9%88%D9%85_%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1_%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1_%28%D8%B5%29) و [فاطمه (س)](http://fa.wikishia.net/view/%D9%81%D8%A7%D8%B7%D9%85%D9%87_%28%D8%B3%29) داشت. با این وصف همه فرزندان پیامبر (ص) به جز [ابراهیم](http://fa.wikishia.net/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85&action=edit&redlink=1)، از خدیجه (س) بودند. خدیجه (س) سه سال قبل از [هجرت](http://fa.wikishia.net/view/%D9%87%D8%AC%D8%B1%D8%AA) و در سن شصت و پنج سالگی در [مکه](http://fa.wikishia.net/view/%D9%85%DA%A9%D9%87) از دنیا رفت. پیامبر او را در [قبرستان معلاة](http://fa.wikishia.net/view/%D9%82%D8%A8%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%85%D8%B9%D9%84%D8%A7%D8%A9) در دامنه «کوه حجون» که بر فراز شهر مکه است به خاک سپرد.

# سالگرد سید عبدالعزیز حکیم

سید عبدالعزیز حکیم، متولد [۱۹۵۰ میلادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B9%DB%B5%DB%B0_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29) در [نجف](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%AC%D9%81) - درگذشته [۲۶ اوت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B2%DB%B6_%D8%A7%D9%88%D8%AA) [۲۰۰۹](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B2%DB%B0%DB%B0%DB%B9_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29) در [تهران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86) سیاست‌مدار و فقیه [شیعه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DB%8C%D8%B9%D9%87) [عراقی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82) بود. او رهبری [مجلس اعلای اسلامی عراق](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3_%D8%A7%D8%B9%D9%84%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C_%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82) را پس از مرگ برادرش [محمدباقر حکیم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%A8%D8%A7%D9%82%D8%B1_%D8%AD%DA%A9%DB%8C%D9%85) در سال ۲۰۰۳ بر عهده گرفت و تا پایان عمر در اختیار داشت. حکیم یکی از اعضای حکومت انتقالی عراق پس از سقوط [صدام](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D8%AF%D8%A7%D9%85) بود و مدتی ریاست آن را در سال ۲۰۰۳ بر عهده داشت. حکیم از حامیان فهرست [ائتلاف ملی عراق](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%A6%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81_%D9%85%D9%84%DB%8C_%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82) در [انتخابات مجلس عراق (ژانویه ۲۰۰۵)](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3_%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82_%28%DA%98%D8%A7%D9%86%D9%88%DB%8C%D9%87_%DB%B2%DB%B0%DB%B0%DB%B5%29&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%DB%8C%DA%A9%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D9%86%D9%88%2B%D8%A7%D8%B2%2B%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82%2B%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA%2B%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) بود.

وی در سال ۲۰۰۹ میلادی در [مرکز سرطان ام دی اندرسون دانشگاه تگزاس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%DA%A9%D8%B2_%D8%B3%D8%B1%D8%B7%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%85_%D8%AF%DB%8C_%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%86_%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87_%D8%AA%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B3) مورد تشخیص قرار گرفت، و سرانجام پس از سه سال ابتلا به بیماری [سرطان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%B1%D8%B7%D8%A7%D9%86) در یکی از بیمارستان‌های [تهران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86) درگذشت، که یاد و خاطره ایشان را گرامی می‌داریم.

# هفته دولت

در تاریخ هر ملتی نشیب و فرازهای تلخ و شیرینی وجود دارد که تعیین کنندۀ سرنوشت و سازندۀ فرهنگ آن ملت است. تحقق نظام جمهوری اسلامی در ایران به رهبری بزرگمردی که جهان، مانندِ او را کمتر به خود دیده است و جان فشانی های فرزندان فداکار این مرز و بوم، بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین فراز تاریخ ماست، که دارای خاطرات تلخ و شیرین زیادی است. خاطرات شهادت هفتاد و دو تن و شهادت دو چهرۀ صمیمی و فداکار اسلام رجائی و باهنر که در کنار یکدیگربه آتش کین منافقان سوختند، فصلی از شهادت رابه نام «هفتۀ دولت» در تاریخ انقلاب گشودند.

علت نامگذاری چنین هفته ای این است که دولت شهید رجائی، نخستین دولت مکتبی بود که پس از حاکمیّت لیبرال‌ها در کشور، عهده دار امور مملکت گردید، و در آن دورۀ بحرانی حداکثر تلاش و کوشش خود را برای خدمت به اهداف مقدس انقلاب صادقانه اعمال کرد تا آنجا که جان خویش را بر سر آن نهادند.

# بانکداری اسلامی در ایران

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی، لزوم استقرار نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی کشور مطرح شد. مهم‌ترین اقدام عملی در این جهت می‌توانست ریشه کن کردن ربا از سیستم بانکی کشور باشد تا بدینوسیله بنیان یک اقتصاد توحیدی مبتنی بر قسط و عدل گذارده شود. به همین منظور پس از انقلاب در سال 1358 اقداماتی در جهت اسلامی کردن نظام بانکی به عمل آمد، که این اقدامات را می‌توان در کوشش‌های اولیه برای حذف بهره و برقراری کارمزد در سیستم بانکی و تأسیس بانک اسلامی و توسعه صندوق‌های قرض الحسنه خلاصه نمود. بدین منظور شورای پول و اعتبار در سیصد و نود و دومین جلسه خود مورخ سوم دیماه 1358 تغییراتی در ساختار نرخ بهره بانکی به تصویب رسانید که از ابتدای سال 1359 به مورد اجرا گذارده شد.

با این همه، پس از پیروزی انقلاب، گرچه سعی شده اقداماتی در جهت حذف بهره انجام گیرد، لکن ماهیتاً این اقدام نتوانست تغییر اساسی در سیستم گذشته بدهد، بطوریکه ناگزیر مقدار بهره ای که به سپرده‌ها پرداخت می‌شد با درصد کمتری با عنوان جدید «حداقل سود تضمین شده» همچنان پرداخت گردید. همچنین دریافت کارمزد و حداقل سود تضمین شده در مورد وام‌ها و اعتبارات پرداختی و سپرده‌های دریافتی بانک‌ها نیز نشان دهند عدم تغییر اساسی در نظام ربوی گذشته بود. بدیهی است برای حذف کامل بهره از سیستم بانکی باید اقدامات اساسی و اصولی دیگری در کلیه زمینه‌های اقتصادی انجام پذیرد تا همگام با سیستم بانکی، زمینه لازم و ضروری را در اقتصاد کشور در جهت حذف بهره فراهم آورد.

بدین منظور در سال 1361، لایحه عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در جهت حذف بهره و انطباق عملیات بانکی با موازین اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید که نهایتاً در تاریخ هشتم شهریور 1363 به تصویب رسید. براساس این قانون مقرر شد که هدف نظام بانکی عبارت باشد از استقرار نظام پولی و اعتباری برم بنای عدالت که با تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار به ویژه حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و ارائه خدماتی که قانونا بر عهده بانک‌ها محول شده است. براین مبنا برای دو وظیفه اصلی بانک‌ها که یکی جمع آوری پول (تجهیز منابع پولی) و دیگری توزیع پول (تسهیلات اعطایی) باشد با تلاش مدیریت بانک‌ها و همکاری همکاران بانکی در این طریق گام‌های موثری برداشته شده است که نیاز به بررسی بیشتر و مطالعه عمیق تر در بازده روش‌های متخذه در توسعه اقتصادی کشور دارد.

وظیفه بانک مرکزی از آنچه در گذشته داشته فراتر رفته و تعیین رشته‌های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت بانک‌ها در فعالیت اقتصادی در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و همچنین تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای اولویت دادن به طرح‌های سرمایه گذاری و مشارکت نیز بر عهده بانک مرکزی قرار گرفته است.

# احیای سنت قرض‌الحسنه و مبارزه با ربا

قرض، جزیی از ارکان یک نظام اقتصادی است که دارای نتایجی اجتماعی می‌باشد و در قرآن و روایات به اهمیت آن تاکید فراوانی شده است.

نظام ربوی یک نظام اقتصادی است که درست در مقابل قرض‌الحسنه جای دارد. اگر هدف نظام ربوی را بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم، عبارت است از: افزایش سود و سرمایه و ایجاد روحیه‌ی تکاثر و ظلم و زور.

اما قرض نتایجی، چون زنده کردن روح عطوفت در جامعه و ایجاد قسط و عدالت دارد. مختصر اینکه ربا بر ظلم و تعدی و جمع کردن مال بنا شده و قرض بر ایثار و احسان ومردمداری استوار گشته است. از این رو قرض، ربا را از صحنه‌ی اقتصادی بیرون می‌کند. در قرآن ربا نظام زشت و منکر اقتصادی شمرده شده است و به قرض توصیه و تاکید شده و این دو قابل جمع نیستند به این صورت که بر سیستم اقتصادی هم نظام ربوی حاکم باشد و هم نظام قرض‌الحسنه و میانشان نهایت تضاد و افتراق می‌باشد.

قرض‌الحسنه سنت اسلام است که اقتصاد را در خدمت عقیده می‌گیرد و تجلی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و مبانی عقیدتی بر سودجوئی‌های اقتصادی است. قرض‌الحسنه، وام دادن به خداست و کدام مؤمن است که از وام دادن به خدا احساس تردید یا پشیمانی نماید؟

سوء استفاده از این سنت اصیل قرآنی هرگز نمی‌تواند بهانه‌ای برای گریز و احیاناً برخورد با این مستحب قطعی اسلام باشد.  
بیاییم در پرتو انوار قرآن و معصومین علیهم السلام زندگی را از معنویت و ایثار سرشار سازیم و این سنت مذهبی را بار دیگر در جامعه‌ی بزرگ اسلامی با اهداف و شیوه‌های خداپسندانه آن؛ احیاء نماییم.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعظّه اجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم الرزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله**

خدایا دل‌های ما را در این شریف به انوار قرآن روشن بفرما. زندگی و مرگ ما را قرآنی قرار بده. نسل جوان ما را با قرآن مأنوس بفرما. ما را در آخرت به شفاعت قرآن نائل بفرما. خدایا تو را به اولیای الهی قسم می‌دهیم همه شهدا و گذشتگان و علمای بزرگان و روح مطهر امام و شهید محراب صدوقی و مرحوم سید عبدالعزیز حکیم، مقام ما را با اولیای الهی و سید و سالار شهدا محشور بفرما. خدایا گناهان ما را ببخش و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[9]](#footnote-9)**

1. . آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بقره 2. [↑](#footnote-ref-2)
3. . اعراب آیه 203. [↑](#footnote-ref-3)
4. . جاثیه آیه 20. [↑](#footnote-ref-4)
5. . مائده 15 و 16. [↑](#footnote-ref-5)
6. . اسراء 88. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره العصر [↑](#footnote-ref-7)
8. . آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره الکوثر. [↑](#footnote-ref-9)